

# ترانه‌های آذری و ترکمنی

پژوهش، نوشته و برگردان:

فاروق صفی‌زاده (مهرکیش آوستا)

سنت شفاهی به سنت‌هایی گفته می‌شود که در طول حیات بشر، سینه به سینه نقل شده‌اند. به نظر مردم‌شناسان، در جوامع ابتدایی و بی‌سواد، تمام سنت‌ها شفاهی‌اند، زیرا مردم در طول زندگی خود، با هیچ یک از صورت‌های نوشتاری آشنایی نداشته‌اند، اما جوامعی که ساختار پیچیده‌ای دارند، قشرهای تحصیل کرده بیشتر به وسیله سخن مکتوب ارتباط برقرار می‌کنند و نحوه‌ی برقراری ارتباط بین قشرهای کم‌سواد هنوز به مقیاس وسیعی، به صورت شفاهی است. بنابراین سنت‌های شفاهی و مکتوب هم زمان دیده می‌شوند.

رابرت ردفیلد Robert Redfield، مردم‌شناس، در توصیف پدیده‌هایی که کمابیش مشابه سنت‌های شفاهی و مکتوب هستند، اصطلاحات سنت‌های خواص و سنت‌های عوام را به کار برده است، که اولی به سنت‌های اهل فضل و برگزیدگان و دومی به سنت‌های عامه‌ی مردم برمی‌گردد. سنت‌های خواص ویژگی‌های مختص به خود را دارند، بدین معنی که از غنای ادبی برخوردارند و در مراکز شهری متداول هستند و اغلب جامعه به طور رسمی آنها را پذیرفته است، اما سنت‌های عوام، برعکس، بین روستائیان رواج داشته و از لحاظ نحوه‌ی ارتباط بیشتر شفاهی هستند و در جامعه چندان عمومیت ندارند.\*

برخی از ویژگی‌های سنت‌های شفاهی، از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. با توجه به نحوه‌ی انتقال این سنت‌ها، چنین به نظر می‌رسد که آنها برخلاف سنت‌های مکتوب به سادگی تغییرپذیر باشند. با وجود این، امکان دارد بعضی از سنت‌های شفاهی از خود مقاومت نشان داده و با تغییری جزئی یا حتا بدون تغییر، از نسلی به نسل دیگر انتقال یابند. زیرا باورها و معتقدات مذهبی ممکن است موجب آن شوند که سنت‌هایی در طول زمان، بدون هیچ‌گونه تغییری پی در پی نقل یا برگزار شوند، اما چنین می‌نماید که انواع سنت‌های شفاهی دارای گونه‌های مختلفی باشند. با این که سنت‌ها به افراد تعلق نداشته و بیشتر متعلق به گروه‌های اجتماعی‌اند، نباید انتظار داشت که همه‌ی اعضای گروه‌ها، نقش فعالی در ترویج آنها داشته باشند، اما از آنجا که اکثر مردم بر آنها صحه می‌گذارند، در طول حیات جامعه تداوم می‌یابند. حتا کسانی که به عنوان شنونده در مجالس نقالی شرکت می‌کنند، در برگزاری این نوع سنت‌های خاص، سهمی برعهده دارند، زیرا نقال در صورتی می‌تواند به نقل داستان‌هایش پردازد، که شنونده‌ی علاقه‌مندی داشته باشد. اعضای گروه‌های اجتماعی، در اجرای بعضی از انواع سنت‌های شفاهی، مانند: شعایر، بازی‌ها، اعیاد، جشن‌ها، رسم‌ها در سطح گسترده‌تری فعالیت می‌کنند، اما در برخی دیگر، از این سنت‌ها، از جمله پزشکی عامیانه، هنرها و صنایع دستی، تنها متخصصان معدودی به فعالیت می‌پردازند که مروجان فعال این سنت‌ها شناخته می‌شوند. به همین دلیل علاوه بر بررسی نقش گروه‌های اجتماعی در برگزاری و ترویج سنت‌های شفاهی، شناسایی مروجان فعال آنها نیز شایان توجه است. بیشتر سنت‌ها در بطن فرهنگ جامعه به بقای خود ادامه داده‌اند. زیرا نه تنها از دیرباز متخصصانی از قبیل جادو پزشکان قبیله یا نقالان، بلکه حتا افرادی مانند مجریان بازی‌های عامیانه، چیستان‌ها و ترانه‌های عوام نیز، در ترویج و تداوم آنها در طول حیات جامعه سهم به‌سزایی داشته‌اند. سنت‌های شفاهی به وسیله همین افراد ارایه و نگهداری می‌شوند، یا

Robert Redfield, Peasant society and culture Chicago 1946.

\* نگاه کنید به:

به دیگران انتقال می‌یابند، چرا که آنها در واقع حافظ و نگهبان این سنت‌ها به شمار می‌آیند.

سایر اعضای جامعه هم مروجان سنت‌های شفاهی هستند، اما آنها مروجان غیرفعال قلمداد می‌شوند. یکی از اهداف طرح فراهم آوردن اسناد سنت‌های شفاهی، حفظ سنت‌های رو به زوال است. در جوامعی که سنت‌ها به شدت در فرهنگ مردم پابرجا مانده‌اند، این سنت‌ها در واقع عناصر فرهنگی زنده به شمار می‌روند که هنوز در زندگی مردم عامی کار دارند. سنت شفاهی نه تنها روایات، مثل ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌های عامیانه، یا به عبارت دیگر سنت‌های گفتاری را شامل می‌شود، بلکه سنت‌های رفتاری مانند شعایر، رسم‌ها، بازی‌های عامیانه، تئاتر سنتی و نیز سنت‌های مادی مانند هنرها و صنایع دستی، معماری، پوشاک و زیورآلات را در برمی‌گیرد.

گردآوری سنت‌های قشر کم‌سواد یا سنتی‌تر جامعه، از مختصات فرهنگ عامه، یا مطالعات مربوط به زندگی توده‌های مردم است. در حالی که گردآوری سنت‌های مردم عامی، به قوم‌شناسی برمی‌گردد. با وجود این، باید در نظر داشت که گردآوری سنت‌های شفاهی، به هر منظوری که باشد، امری جدی و خطیر محسوب می‌شود. مستند کردن سنت‌های شفاهی باید موجب آن شود که سطح بپوشش و آگاهی مردم درباره‌ی جامعه‌شان فزونی یابد. از این‌رو، اسناد سنت‌های شفاهی نباید صرفاً به منظور تحقیقات علمی فراهم شوند، زیرا این تحقیقات به گروه معدود دانشمندان منحصر می‌شود. مجموعه‌ی سنت‌های شفاهی، باید برای استفاده‌ی عموم انتشار یابند و نتیجه‌ی مطالعات و بررسی‌هایی را هم که درباره‌ی آنها صورت می‌گیرد، می‌توان برای استفاده‌ی تحقیقات علمی منتشر کرد.

سنت‌های شفاهی، بخشی از فرهنگ جامعه محسوب می‌شوند. از این‌رو، انواع این سنت‌ها در فرهنگ‌های مختلف موجود، نام‌های گوناگونی به خود گرفته‌اند. شیوه‌های تشخیصی و تعیین انواع سنت‌های شفاهی در بیشتر جوامع مختلف است، اما ایجاد سیستم مشترکی به منظور بررسی و طبقه‌بندی انواع سنت‌های شفاهی در فرهنگ‌های مختلف ضرور به نظر می‌رسد.

انواع سنت شفاهی را می‌توان به دو گروه گفتاری و غیرگفتاری تقسیم کرد. سنت گفتاری به سنت‌هایی گفته می‌شود که به شکل گفتار تحقق می‌یابند، (اما سنت‌های غیرگفتاری، گروهی از سنت‌هایی هستند که به صورت مادی، رفتاری، یا موسیقی تجلی می‌یابند).

انواع سنت‌های شفاهی:

۱- روایات داستانی.

۲- قصه‌ها.

۳- استوره‌ها.

۴- افسانه‌ها.

۵- حماسه و بالاد.

۶- پندارها.

۷- روایات غیرداستانی:

روایات غیرداستانی، انواعی از سنت‌های گفتاری هستند که شکل‌های مختلفی از کاربرد زبان را در جامعه دارند. این سنت‌ها که در این بحث، منفرد به حساب می‌آیند، به سنت‌هایی از قبیل شعایر یا رسم‌ها تعلق دارند که هر یک از آنها از چند سنت تشکیل شده است.

روایات غیر داستانی:

۱- ترانه‌ها.

۲- زبان عامیانه.

۳- ضرب‌المثل‌ها.

۴- چیستان‌ها.

۵- سرود (شعرهای عامیانه‌ی مذهبی).

۶- نوحه.

ترانه‌ها:

ترانه‌ها را نمی‌توان جدا از آهنگ یا حتا سازی دانست که در هر فرهنگ به همراه آن خوانده یا نواخته می‌شود، اما اساساً ترانه‌ها از واژه‌هایی شکل می‌یابد که پیام‌هایی مانند عشق، دوستی و شرف را در بردارند. به همین دلیل، علاوه بر آهنگ ترانه‌ها، عقاید و ارزش‌هایی که در آنها تجلی یافته‌اند، نیز از اهمیت ویژه برخوردارند. هر فرهنگ نه تنها انواع گوناگونی از ترانه دارد، بلکه سبک آهنگ آنها نیز در هر ناحیه متفاوت است.

ترانه‌های ویژه‌ی کودکان، بخشی از زندگی فرهنگی مردم جامعه را به خود اختصاص می‌دهند، اما این واقعیت به ندرت مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرا بیشتر کودکان- این ترانه‌ها را می‌خوانند. ابتدا باید لالایی‌ها را مورد بررسی قرار داد. مادران یا خواندن لالایی، کودکان خود را می‌خوابانند. سجع و قافیه‌های بی‌معنی، یکی از ویژگی‌های این نوع ترانه‌ها است. اما مفهوم لغوی ترانه‌ها، بسیار دلنشین است. به عنوان مثال، می‌توان گفت که عشق عمیق مادران به کودکانشان، در لالایی تجلی یافته است. اگر لالایی از دیدگاه فرهنگ به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، نتایج با ارزشی به دست می‌آید. از جمله این که نه تنها عشق مادر به کودک در لالایی‌ها به خوبی آشکار است، بلکه امیدها و آرزوهایی نیز که او برای فرزندش دارد، در آن نمایان است.

ترانه‌ها در اجتماعی کردن جوانان نقش مهمی را ایفا می‌کنند. از زمانی که کودک می‌تواند اندام‌های حرکتی خود را به کار برد، تا هنگامی که با همسالانش به بازی‌های گروهی می‌پردازد، ترانه‌ها به او می‌آموزند که چگونه دست‌ها و پاهایش را حرکت دهد.

در بین بزرگسالان نیز ترانه‌های بسیاری متداول است که به همه‌ی مردم تعلق دارد. سراینندگان ترانه‌های عامیانه ناشناخته‌اند. حتا اگر سراینده‌ای مشخص باشد، به زودی فراموش می‌شود، اما ترانه‌ای که سروده است، در جامعه عمومیت می‌یابد. خواندن ترانه‌هایی که ویژه‌ی فعالیت‌های انسانی است، بین بسیاری از دست‌اندرکاران مشاغل مختلف رواج دارد. برای نمونه دریانوردان، ترانه‌های خاصی دارند. کارگران نیز در حین کار گروهی، ترانه‌هایی می‌خوانند و حرکات بدنشان را با ریتم آهنگ این ترانه‌ها هماهنگ می‌سازند. این ترانه‌ها به خوبی عمومیت می‌یابند، زیرا آوازهای دسته‌جمعی و هماهنگ کردن حرکات بدن، با ریتم آهنگ موجب می‌شود که کارگران کمتر احساس خستگی کنند. حتا کشاورزان نیز هنگام کار در مزارع، ترانه‌هایی می‌خوانند و بدین ترتیب کار برای آنان آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شود.

ترانه‌های عامیانه، جزء ثروت معنوی مردم هر جامعه محسوب می‌شوند.

در بین مردم آذری زبان، ترانه‌های فراوانی کاربرد دارد که مشهورترین این ترانه‌های عامیانه، بیایاتی‌ها هستند. واژه‌ی بیایاتی همان بیت یا نغمه‌ی کردی است. زبان آذری باستان یا پهلوی آذری، همان گویش کنونی گورانی یا هورامی است. بیشتر واژه‌های آذری، در پهلوی کاربرد داشته است. آذری‌ها ایرانی اصیل و زبانشان نیز به جز چند واژه‌ی نامآئوس ترکی مغولی، همگی برگرفته از واژه‌های سره‌ی ایرانی است. بایسته به یادآوری است که گویش ترکمنی و آذری استانبولی و آذری فعلی یکی است و هر سه از گویش‌های زبان پهلوی ساسانی می‌باشد.

بیایاتی لُ *bāyātīlar*

آپاردی تاتار منی *āpārdī tātār manī*

قول ائده، منی، ساتار *qol êdar, manī, sātār*

یاریم وفالی اولسا *yārīm wafālī olsā*

آختاریب تاپار منی. *āxtārīb tāpār manī.*

عزیزم وطن یاخش *azîzim watan yāxšī*

گنیمگه کتان یاخش *gēnimga katān yāxšī*

qarîblîk jannat olsâ اولسا جنت اولسا  
yanada watan yâxşı. بنه ده وطن یاخشی.

azîzîm dîlan gal عزیزیم دیندن گل  
bâqdaqâ gwêlû dîlan gal باغدا گولو دیلدن گل  
qarîb da xân olûnjâ غریب ده خان اولونجا  
watanînda dîlan gal. وطنینده دیلدن گل.

azîzîm hêy âqlârâm عزیزیم هی آغلارام  
dardîma dard bâqlârâm دردیمه درد باغلارام  
qurbat yêr jannat olsâ غریب یئر جنت اولسا  
watan dê-îb âqlârâm. وطن دئییب آغلارام.

azîzîm gwul allar عزیزیم گول اللر  
qwul bârmîxîlâr qwul allar گول بارماخلار گول اللر  
daryâjâ aqlîn olsâ دریاجا عقلین اولسا  
xoxsul olsân qwul allar. یوخسول اولسان گول اللر.

âmân Falak, dâd Falak آمان فلک، داد فلک  
hêç olmâdum şad Falak ههچ اولمادوم شاد فلک  
îcîrîtdîgîn şarbatdan ایجیرتدیگین شربتدن  
ouzunda bîr dâd Falak. ئوزونده بیر داد فلک.

bû dâqlâr quşâ dâqlâr بو داغلار قوشا داغلار  
wêrîb bâş bâşâ dâqlâr وئریب باش باشا داغلار  
yârîm sanda gazîbdîr یاریم سنده گزیبدیر  
sanî yuz yâşâ dâqlâr. سنی یوز یاشا داغلار.

dâqlâr dâqîmdîr manîm داغلار داغیمدیر منیم  
qam oynâqîmdîr manîm غم اویناغیمدیر منیم  
dîndîrma qân âqlârâm دیندیرمه قان آغلارام  
yâmân çâqîmdîr manîm یامان چاغیمدیر منیم.

ga gêdâx dâş bulâqâ گه گنداخ داش بولاغا  
soyî sarxoş bulâqâ سوی سارخوش بولاغا  
bîrîn san dî, bîrîn man بیرین سن دی، بیرین من  
tukâx qân yâş bulâqâ. توکاخ قان یاش بولاغا.

ترانه های ترکمنی:

Panjaradan dâş galîr پنجه‌دهن داش گلیر  
xumar gwêzdan yâş galîr خمار گوزدن یاش گلیر

متى سنه ویرسەر *manî sana wêrsalar*  
اللهه خوش گلیر. *alîhâda xoş galîr.*

یاریم اوخسر جیرانه *yârim oxsîr jêyrânâ*  
زلفین داریب بیر یانه *zulfîn dârib bîr yânâ*  
اوخی بولبولیم اوخی *oxî ublbulîm oxî*  
بلکه یاریم اویانه. *balka yârim oyanâ.*

گوگده اولدوز آلتمشدی *gwêgda oîduz âltmîşdî*  
آلتمشده یاتمشدی *altmîşda yâtmîşdî*  
گیدتیم اوزیک چکتیرم *gîdtîm ouzîk çaktîram*  
زرگر اولغان یاتمشدی. *zargar oqlân yâtmîşdî.*

سیاهدان غارا گوزلری *siyahdân qârâ qwezlarî*  
شیریندن داتلی سوزلری *şîrîndan dâtlî swêzlarî*  
تیللا دا آچیق یوزلری *tilîlâ da açîq yuzlarî*  
بیر عاجاییب جانان گوروندی *bîr âjâyîb jânân gwêrundî*  
ماهی جووان ترکمن خیزی *mâhî juwân turkîman qîzî*  
مون گلنه دگره بیر نازی *mun galîna digar bîr nâzî*  
سازلاب آچیق آوازی *sâzlanîb açîq âwâzî*  
بیر عاجاییب گول گوروندی. *bîr âjâyîb gwul gwêrundî.*

ترجمه:

مرا تاتار برد

بردهام می کند و می فروشد

اگر یارم و قادار باشد

بر جست و جوی من آمده و مرا پیدا می کند.

عزیزها وطن خوب است

پرای پوشیدن، کتان شایسته است

غربت، اگر بهشت هم باشد

باز هم وطن خوب است.

عزیزم! بیا گدایی کن

در باغ، به گدایی گل مشغول شو

به جای این که خان سرزمین غربت باشی

بیا در وطن گدایی کن.

درد روی درد انباشته می کنم

سرزمین غربت اگر بهشت هم باشد

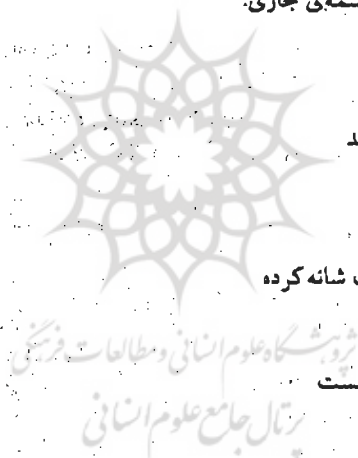
باز به یاد وطن گریه می کنم.

عزیزم! دست های تو مانند گل

انگشت ها و دست های تو مانند گل است

اگر به اندازه‌ی دریا عقل داشته باشی  
اگر بی چیز باشی به تو می خندند [مانند گل]  
امان از فلک، داد از فلک  
هیچ نشدم شاد، فلک  
از شرتی که به من چشاندی  
خود نیز بجش ای فلک،  
کومه‌ها، کوه‌های دوقلو  
کوه‌هایی که سر بر دوش هم نهاده‌اند  
دلدار من در دامن آنها گردش کرده  
صد هزار سال عمر بکنید ای کوه‌ها،  
کوه‌ها، داغ دل من است  
غم، جای بازی من است  
حالم را مهر من، که خون می‌گیریم  
حالا وقت و هنگامه‌ی بد من است،  
بیا برویم سرچشمه‌ی سنگی  
چشمه‌یی که آب‌اش گواراست  
یکی تو بگو، یکی من  
اشک خونین بریزیم بر چشمه‌ی جاری

ترانه‌های ترکمنی:  
از پنجره سنگ می‌آید  
از چشم خمار اشک می‌آید  
مزا به تو بدهند  
خدا را هم خوش می‌آید؟  
یار من همانند آهوست  
زلف‌هایش را به یک طرف شانه کرده  
بخوان بلبل من، بخوان  
شاید یارم بیدار شود.  
در آسمان شصت ستاره هست  
شصت تا هم خوابیده‌اند  
رفتم انگشتی بگیرم  
پسر زرگر خوابیده بود.  
عجایب دلبری دیدم  
که چشمانش سیاه‌تر از سیاه بود  
سخنان‌اش شیرین‌تر از شیرین بود  
رخسارش رخشان‌تر از طلا بود  
عجب گل دلنشینی بود  
ماه نورس، دختر ترکمن  
که یک نازش از هزاران عروس دلریاتر است  
صدایش رسیده و زیباست  
عجب گل دلنشینی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز جامع علوم انسانی

وزن سروده‌ها: فعلاتن فعلات: تَنَن تَنَن تَنَن تَنَن.  
مفاعلهن مفاعلهن: تَنَن تَنَن تَنَن تَنَن.

ترانه‌های عروسی:  
qudā galmīšik bīz sīza قودا گل‌می‌شیک بیز سیزه  
hurmat ēdīnīz bīza حورمت اندینیز بیزه  
bu gaja qīz sīzīndīr بو گاجه قیز سیزیندیر  
sābān āpārrīq bīza. ساباح آپاررین بیزه.

āl ālmāqā galmīšdim آل آماغا گل‌می‌شدم  
sāl ālmāqā galmīšdim شال آماغا گل‌می‌شدم  
ouqlānīn bāji sīyām اوغلانین باجی سیام  
ādāxlāmāqā galmīšdim. آداخلامآقا گل‌می‌شدم.

ategi cīn cīn galīn اته‌گی چین چین گلین  
cīpī gēya cīn galīn چیبی گویه چین گلین  
galīnar ārāsīnda گلینار آراسیندا  
hāmī wān gwēwčak galīn هامی وان گویچه‌ک گلین.

qirmīzī yāsdiq owzū qirmīzī یاسدیک اوزو  
sīz, ne tānīrdīz سیز، نه تانیردیز  
sowdāsīz otūrmuşduq سودانسیز اوتورموشدوق  
sowdāyā sāldīz bīzī. سودایا سالدیز بیزی.

ای خواهر، ما به خانه‌ی شما آمده‌ایم  
به ما خرمت یکنید  
امشب دختر مال شماست  
فردا شب در خانه‌ی ماست.  
من برای گرفتن حریر سرخ آمده‌ام  
من برای گرفتن شال آمده‌ام  
من خواهر داماد هستم  
برای نامزد کردن آمده‌ام.  
دامن تو چین چین است عروس خانم  
روی دوش تو کیوتر است عروس خانم  
در بین همه‌ی عروس‌ها  
از همه زیباتری عروس خانم.  
رویه‌ی بالش سرخ زنگ است  
شما ما را از کی شناختید  
فراغ‌البال نشسته بودیم  
گرفتار عشقمان کردید.

وزن سروده: تَنَن تَنَن تَنَن تَنَن: مفاعلهن مفاعل.